**هادیانه**
**سخن زیبا و آراسته**

امام علی(ع): زیبا و آراسته سخن بگویید تا جوابی زیبا و آراسته بشنوید.
(غرر الحکم، ص ۴۳۶)

کاشانه
مدیرمسئول: **محمد جواد اخوان**
سردبیر: **غلامرضا صادقیان**
دبیر ویژه‌نامه: **حسین گل‌محمدی**
همکاران تحریریه: **نیره ساری، مرضیه بامیری**
**نیره محمودی، محبوبه قربانی**
چاپ: **همشهری**

گروه سبک زندگی
**پرونده**
صیانت از زبان و ادبیات فارسی

**مهدی صالحی، کنشگر زبان فارسی:**

# ایرادات زبان رایج در فضای مجازی بازتاب کم‌کاری در نظام آموزشی ماست

نیره ساری

**مهدی صالحی، کنشگر زبان فارسی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: ما باید بپذیریم که زبان فارسی اینترنت یا همان زبان فارسی رایاسپهر، واقعیتی مستقل و زنده است. این فضا، اقتضائات خاص خودش را دارد. ما باید تحلیل کنیم که این فضا چه انتظاراتی از زبان دارد و زبان فارسی چگونه می‌تواند خود را با آن تطبیق دهد. متن گفت‌وگو با صالحی به شرح زیر است.**

**با توجه به حضور گسترده نسل جوان در فضای مجازی و استفاده روزافزون از شبکه‌های اجتماعی، شاهد نوعی ساده‌نویسی افراطی، بی‌توجهی به اصول نگارش فارسی و رواج املاهای نادرست هستیم. از سوی دیگر، این فضا فرصتی است برای ترویج زبان فارسی و بازتعریف هویت ایرانی در بستر دیجیتال. به نظر شما، چگونه می‌توان در عصر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، هم از ظرفیت‌های این فضا برای گسترش زبان و ادب فارسی بهره برد و هم از آسیب‌هایی چون تخریب نوشتار استاندارد، بی‌هویتی زبانی و ابتذال ادبی جلوگیری کرد؟**

هر نوع نوشتار، متناسب با فضای خود، شیوه‌خاصی را می‌طلبد. به‌عنوان مثال، نوشتار علمی، نوشتار اداری، نوشتار خودمانی یا ادبی، هر کدام قواعد و ساختارهای ویژه‌ای دارند. در همین راستا، فضای مجازی نیز از این قاعده مستثنی نیست، البته شاید بهتر باشد به‌جای اصطلاح «فضای مجازی» از واژه «رایاسپهر» استفاده کنیم. رایاسپهر نیز شیوه‌های نگارشی خاص خود را می‌طلبد. این شیوه‌ها البته متعدد هستند. به‌عنوان مثال، نحوه نگارش در وبگاه‌ها با آنچه در شبکه‌های اجتماعی رواج دارد متفاوت است. هر شبکه اجتماعی اقتضائات خاص خود را دارد، تلگرام نیز به‌همین ترتیب. نوع کاربری و مخاطب، نقش مؤثری در تعیین شیوه نگارش دارد، بنابراین ما با یک شیوه نگارش یکنواخت در رایاسپهر مواجه نیستیم. دو نکته حائز اهمیت است: اول، اینکه هر فضا، شیوه نگارش خاص خود را می‌طلبد، دوم، اینکه در رایاسپهر نیز با انواع مختلفی از شیوه‌های نگارشی مواجه هستیم و عواملی چون نوع محتوا، مخاطب و هدف تولید محتوا در تعیین نوع نگارش مؤثرند. نکته‌ای که شما و بسیاری دیگر به آن اشاره می‌کنید، این است که در شیوه نگارش و گفت‌وگوهای آنلاین، برخی افراد ممکن است برخی ملاحظات را رعایت نکنند. در اینجا می‌خواهم به زاویه‌ای دیگر بپردازم. باید بپذیریم رایاسپهر یک «ویترین» است؛ محلی برای نمایش که در عین حال نوعی آزادی بیان خاص خود را دارد. نمی‌توان در این فضا قانونگذاری سختگیرانه‌ای داشت. آنچه ما در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های رسمی آموزش داده‌ایم، در فضای مجازی بازتاب می‌یابد. اگر ما در نظام آموزشی، انواع نگارش را به دانش‌آموزان آموخته باشیم، درست‌نویسی و ارزش زیبانویسی را برای‌شان تبیین کرده باشیم، طبیعتاً آنها در فضای مجازی نیز از این ظرفیت زبانی و ادبی بهره خواهند گرفت، اما وقتی این آموزش‌ها داده نشده است، نمی‌توان انتظار داشت در فضای مجازی اتفاق متفاوتی بیفتد. افراد آنچه هستند را با صداقت، در این فضا به نمایش می‌گذارند. در چنین شرایطی، ما با یک حالت ویترینی مواجه هستیم. هر آنچه در نظام آموزشی به افراد آموخته‌ایم، در این ویترین خود را نشان می‌دهد. با وجود گسترش فناوری، شیوه‌های آموزش همراه آن توسعه نیافته‌اند. آموزش‌های مرتبط با فضای مجازی در دسترس عموم نیستند یا بسیار پرهزینه‌اند. کاربران ناچارند خودآموزانه و از طریق آزمون‌وخطا، نگارش در فضای مجازی را بیاموزند. یکی از راهکارهای ارتقای زبان فارسی در رایاسپهر، ارائه آموزش‌های رایگان و عمومی است. اگر نهادهای حاکمیتی امکان ارائه این آموزش‌ها را ندارند، می‌توان از ظرفیت متخصصان حوزه زبان و ارتباطات بهره گرفت و از آنها حمایت کرد تا بتوانند آموزش‌های پایه را در اختیار عموم قرار دهند. از سوی دیگر، ما می‌توانیم ابزارهایی ویژه برای رایاسپهر طراحی و تولید کنیم. فضای مجازی فارسی تقریباً بدون ابزار است. به‌عنوان مثال، صفحه‌کلیدهای موجود، فارسی‌بنیان نیستند، بلکه عربی‌محور طراحی شده‌اند. نشانه آن نیز جایگاه «الف» و «لام» در وسط صفحه‌کلید است، چراکه در عربی پرکاربردند. برخی صفحه‌کلیدها حتی «گاف» ندارند یا برای تایپ آن باید از کلیدهای ترکیبی استفاده کرد. اگر ما صفحه‌کلیدی فارسی‌محور طراحی کنیم، می‌توانیم امکانات دیگری را نیز به آن بیفزاییم. از جمله: ارائه واژگان فارسی، غلط‌گیر املایی، پیشنهاددهنده واژه یا جمله و حتی ابزارهای آموزشی در قالب پیام‌های کوتاه. این آموزش‌ها لزوماً نباید کلاس‌محور و پرهزینه باشند، گاه می‌توان تنها با یک جمله، نکته‌ای را آموزش داد. مثلاً: «کلمه را این‌گونه ننویس، «سپاسگزارم» را با «ز» بنویس.»

هر جا کاربر دچار خطا می‌شود، می‌توان به او شکل صحیح را پیشنهاد داد. به‌همین ترتیب می‌توان شیوه‌های نگارش جدید را نیز آموزش داد، فرهنگ لغت شخصی در اختیار کاربر گذاشت و از تجارب زبان‌های دیگر در این زمینه بهره گرفت.

**با گسترش فضای مجازی، نوعی زبان نوشتاری جدید میان کاربران شکل گرفته که اغلب با نوشتار رسمی و معیار فاصله دارد. به نظر شما این تغییر در زبان، طبیعی و همراستا با تحولات اجتماعی است یا نشانه‌ای از ضعف در آموزش و هویت زبانی؟**

زبان فارسی در رایاسپهر، خواه‌ناخواه، مسیر حیات خود را طی می‌کند. این حیات ممکن است با رشد همراه باشد یا با افول می‌تواند سازنده و مؤثر باشد یا حتی در برخی موارد، تخریب‌گر، اما به‌هرحال این حرکت در جریان است. در حال حاضر، ما پژوهش‌های دقیق و جامع چندانی درباره این مباحث نداریم؛ مباحثی که این روزها نقل محافل است، از جمله اینکه «زبان فارسی در فضای مجازی در حال تخریب است.» من شخصاً با بسیاری از این دیدگاه‌ها موافق نیستم. معتقدم زبان فارسی، اتفاقاً در رایاسپهر بیش از پیش مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقتی زبانی در حال مصرف است، ممکن است در برخی از کاربردهای خود دچار فرسایش یا آسیب‌هایی شود، اما در مجموع، این به نفع زبان است، چراکه زبان، در جریان تولید محتوا قرار دارد و زندگی می‌کند، بنابراین من با برخی از این تعابیر که می‌گویند زبان فارسی «بی‌هویت» یا «مبتذل» شده، چندان موافق نیستم. در واقع معتقدم ما برای فضای مجازی کاری نکرده‌ایم، اما حالا انتظار داریم خروجی مطلوبی از آن بگیریم. اینکه همه‌چیز را به دوش مردم بیندازیم، صحیح نیست. اگر ما می‌خواهیم قاعده‌مند باشیم، باید ابزار و چارچوب‌های مشخص را هم فراهم کنیم. این دقیقاً یکی از وظایف حاکمیت است.

**اگر بخواهیم در فضای مجازی نوشتار درست و استاندارد فارسی را ترویج دهیم، از کجا باید شروع کرد؟ نقش نهادهایی مثل آموزش و پرورش، رسانه‌ها یا حتی تولیدکنندگان محتوا چیست؟**

حاکمیت باید ابزار طراحی کند، قواعد نگارش را تدوین کند، امکانات در اختیار کاربران قرار دهد و حتی مشوق‌هایی ایجاد کند. مثلاً می‌توان برای بهترین نویسنده در فضای مجازی یا بهترین فعال در شبکه‌های اجتماعی جایزه تعیین کرد، اما متأسفانه، نه متولیان فضای مجازی، نه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نه هیچ نهاد دیگری، برنامه‌ویژه و فراگیری برای این کار ندارند. گاهی جایزه‌هایی مانند «بهترین وبلاگ» یا «بهترین وب‌سایت» داده می‌شود که آن هم بسیار محدود و مختص گروه‌های خاص است. ما باید بپذیریم که زبان فارسی رایاسپهر، واقعیتی مستقل و زنده است. این فضا، اقتضائات خاص خودش را دارد. ما باید تحلیل کنیم که این فضا چه انتظاراتی از زبان دارد و زبان فارسی چگونه می‌تواند خود را با آن تطبیق دهد.

**زبان فارسی برای زنده ماندن در عصر دیجیتال چه تحولاتی را باید پشت سر بگذارد؟**

رایاسپهر اقتضائاتی دارد از جمله سرعت بالای تبادل اطلاعات، تنوع کاربردها، نبود قوانین سفت‌وسخت و الزام کاربران به ارتباطات متعدد و پاسخگویی سریع. اینها موجب شده‌اند کوتاه‌نویسی، استفاده از شکلک‌ها (ایموجی‌ها) و اختصارهای زبانی رواج یابد. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که این روندها از حد تعادل خارج و به افراط کشیده شوند. واقعیت این است که اکنون با زبانی در رایاسپهر مواجهیم که خارج از مدیریت و هدایت است. هیچ برنامه‌ریزی دقیقی در این زمینه وجود ندارد. اولین گام، شناخت دقیق مسئله است. باید ویژگی‌های زبان در این فضا را به رسمیت بشناسیم. این فضا نه روزنامه است و نه تلویزیون. اقتضائات خودش را دارد و تا آنها را نپذیریم، نمی‌توانیم برای اصلاحش برنامه‌ریزی کنیم. در مرحله بعد، نیاز به «سیاستگذاری زبانی» و «نگاشت نهادی» داریم. نهادهای مختلف باید بدانند در برابر زبان در رایاسپهر چه مسئولیتی دارند. وزارت آموزش‌وپرورش، وزارت علوم، صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در رأس همه آنها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، باید نقش کلیدی خود را ایفا کنند، اما این مسئولیت فقط بر دوش نهادهای فرهنگی نیست، حتی وزارت نفت یا وزارت دفاع نیز باید در چارچوبی کلان، وظایفی در این مسیر به‌عهده بگیرند. زبان، یک مسئله ملی است و نیاز به همکاری بین‌نهادی دارد.

**فضای مجازی یک «ویترین» است؛ محلی برای نمایش. آنچه ما در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های رسمی آموزش داده‌ایم، در فضای مجازی بازتاب می‌یابد. اگر ما در نظام آموزشی، انواع نگارش را به دانش‌آموزان آموخته باشیم، درست‌نویسی و ارزش زیبانویسی را برای‌شان تبیین کرده باشیم، طبیعتاً آنها در فضای مجازی نیز از این ظرفیت زبانی و ادبی بهره خواهند گرفت**

**آیا نیاز به انطباق با زبان تکنولوژی هست یا باید بر حفظ اصالت تمرکز کرد؟ آیا الگویی در سایر کشورها وجود دارد که بتوان در این زمینه از آن الهام گرفت؟**

در پاسخ به سؤال شما درباره ارتباط زبان و تکنولوژی، باید بگویم تفاوت زیادی بین آنها نیست، بلکه این ما هستیم که باید تکنولوژی را با زبان فارسی به کار بگیریم. این وظیفه ماست که کاربران را توجیه و ترغیب کنیم تا از مسیر زبان فارسی خارج نشوند. اگر گام‌های ابتدایی درست برداشته شود، زبان جایگاه خود را پیدا می‌کند، چراکه زبان، امری کاربردی است، نه انتزاعی. ما نمی‌توانیم صرفاً دستورالعمل بنویسیم و انتظار داشته باشیم همه آن را اجرا کنند. زبان در میدان کاربرد معنا پیدا می‌کند، رشد می‌کند و متحول می‌شود. اگر از این کاربرد حمایت و تشویق نکنیم و امکانات ندهیم، آن اتفاقی که انتظارش را داریم رخ نخواهد داد، حتی ممکن است کاربران به این نتیجه برسند که دیگر ضرورتی برای استفاده از زبان فارسی وجود ندارد. اجازه بدهید یک مثال ساده بزنم. مدتی بود که بسیاری از پیامک‌ها به فینگلیش نوشته می‌شدند، یعنی زبان فارسی با خط انگلیسی. این موضوع آسیب بزرگی به زبان وارد کرده بود. جالب است بدانید در طول نزدیک به یک قرن، در ایران تلاش‌های متعددی برای تغییر خط فارسی صورت گرفت- از دوران مشروطه گرفته تا پهلوی اول و دوم و حتی اوایل انقلاب اسلامی- اما هیچ‌کدام موفق نبودند، با این حال یک عقب‌ماندگی فناورانه، به‌سادگی می‌توانست کاری را بکند که هیچ برنامه سیاسی موفق به انجامش نشده بود. زمانی رسید که همه پیامک‌ها فینگلیش نوشته می‌شدند. تنها کاری که توانست جلوی این بحران را بگیرد، ورود وزارت ارتباطات به ماجرا بود. این وزارتخانه گوشی‌هایی را وارد کشور کرد که از صفحه‌کلید فارسی پشتیبانی می‌کردند. برخی برندها حاضر به همکاری نبودند، اما نمایندگی‌های داخلی آنها، صفحه‌کلید فارسی و نرم‌افزارهای فارسی‌ساز را تولید کردند. این یک اقدام دقیق، بموقع و مؤثر بود که واقعاً خط فارسی را نجات داد، اما متأسفانه همان کارگروهی که این تصمیمات را در وزارت ارتباطات گرفت- یعنی کارگروه خط و زبان فارسی- در اواخر دولت آقای روحانی منحل شد و دیگر خبری از آن نیست. هیچ جلسه‌ای تشکیل نشده و هیچ نهادی ادامه مسئولیت آن را برعهده نگرفته است. یکی از معضلات بزرگ امروز زبان فارسی، کمبود جدی در پایگاه‌های داده زبانی است. بسیاری از منابع ما هنوز دیجیتال‌سازی نشده‌اند و در نتیجه در دسترس نیستند. به‌عنوان مثال، ما آثار متعددی در حوزه نثر فارسی داریم که نسخه‌های آنها تنها به‌صورت چاپی موجود است، حتی در مواردی که پایگاه داده‌ای ایجاد شده، اغلب این پایگاه‌ها خصوصی هستند و داده‌ها معمولاً از رایاسپهر استخراج شده‌اند، نه از منابع عمیق و رسمی زبان فارسی. حجم عظیمی از منابع ارزشمند- از کتاب‌های دارای مجوز وزارت ارشاد گرفته تا نسخه‌های خطی و آثار کلاسیک- هنوز نه دیجیتال شده‌اند و نه آزادسازی. در کنار این، بسیاری از داده‌هایی هم که در دسترس هستند، «داده تمیز» نیستند، یعنی قابل استفاده برای پژوهش‌های علمی، تحلیل‌های زبان‌شناختی یا پروژه‌های هوش مصنوعی نیستند. اینجا ما به یک کار حقوقی و قانونی گسترده نیاز داریم، بودجه‌گذاری کلان، سیاستگذاری دقیق و برنامه‌ای منسجم برای دیجیتال‌سازی، پاک‌سازی، برچسب‌گذاری و آماده‌سازی این داده‌ها، اما حتی همین مرحله اول- یعنی دیجیتال کردن منابع- در بسیاری از حوزه‌ها عملاً زمینگیر است. این، یک تهدید جدی برای عمق و هویت زبان فارسی در فضای دیجیتال محسوب می‌شود چراکه وقتی داده وجود نداشته باشد، عملاً قدرت زبان تحلیل می‌رود. یکی از راهکارهای اساسی در این زمینه، توسعه زیرساخت‌ها و ابزارهای نوشتاری است. به‌عنوان مثال تولید صفحه‌کلید فارسی‌بنیاد (نه برگرفته از ساختار عربی)، طراحی ابزارک‌هایی برای کمک به نویسندگان، مترجمان و ویراستاران در زمینه‌هایی چون رسم‌الخط، املا، دستور زبان، پیشنهاد واژه یا جمله و ترجمه واژگان یا عبارات از جمله این موارد است.

در تولید محتوا، نمونه‌هایی مانند ابزارهای گوگل یا افزونه‌های وُردپرس کلمات کلیدی پیشنهاد می‌دهند، سئو را بهبود می‌بخشند و به دیده شدن محتوای تولیدی کمک می‌کنند. ما نیز نیازمند ابزارهایی هستیم که زبان فارسی را در فضای تولید محتوا پشتیبانی کنند، اما این ابزارها تنها زمانی توسعه پیدا می‌کنند که حاکمیت از آنها حمایت کند. یک بُعد مهم دیگر ماجرا که اغلب از آن غفلت می‌شود، گویش‌ها، لهجه‌ها و زبان‌های ایرانی است. ما برای زبان‌های منطقه‌ای و گویش‌های فارسی فعالیت بسیار اندکی انجام داده‌ایم. هنوز ابزارهای لازم برای نگارش یا پردازش آنها را نداریم. مثلاً اگر کسی بخواهد به فارسی دری، کردی، لُری، آذری، کرمانی یا دیگر گویش‌ها بنویسد، ابزار لازم -از جمله صفحه‌کلید، فرهنگ واژگان، دستور زبان، تلفظ، ضرب‌المثل و شعر- در اختیارش نیست. فراتر از این، ما می‌توانیم خدمات زبانی را به زبان‌های همسایه و خویشاوند فارسی هم گسترش دهیم، از جمله زبان عربی (برای عرب‌های ایران یا کشورهای همسایه)، فارسی تاجیکی، دری افغانستان و حتی زبان اردو در پاکستان یا زبان‌های هند. این تعامل می‌تواند رابطه بین زبان فارسی و زبان‌های هم‌ریشه و همسایه را تقویت کند و از ظرفیت آنها برای رشد زبان فارسی بهره‌مند شویم.

**مهدی سیف، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه:**

# احساس افتخار به زبان و ادبیات ملی جلوی از خودبیگانگی فرهنگی را می‌گیرد

محبوبه قربانی

**حفظ زبان و ادبیات ملی تنها یک مسئله فرهنگی یا آموزشی نیست بلکه نقش مهمی در اعتمادبه‌نفس جمعی و حس تعلق اجتماعی دارد. نبود این حس باعث می‌شود نسل جدید به واژه‌ها و فرهنگ‌های بیگانه پناه ببرد و خود را از جامعه و ریشه‌های فرهنگی‌اش جدا ببیند. در این زمینه با مهدی سیف، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم تا بدانیم چگونه زبان فارسی می‌تواند هم عامل انسجام اجتماعی باشد و هم هویت ملی ما را حفظ و اعتمادبه‌نفس فرهنگی نسل جدید را تقویت کند.**

**از نگاه جامعه‌شناسانه، زبان فارسی چه نقشی در هویت ملی و انسجام اجتماعی ایرانیان دارد؟**

اگر بپذیریم هویت یک مقوله اجتماعی است و مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که افراد را از یکدیگر متمایز می‌کند و شامل مؤلفه‌هایی همچون عوامل جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و به ویژه عوامل فرهنگی مانند زبان است، به طوری که فرد با آن شناخته می‌شود و خود را با آن معرفی می‌کند پس زبان فارسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در هویت ملی، نقطه اتصال و عامل انسجام جامعه ایرانی است.

**خانواده چه جایگاهی در پاسداشت زبان فارسی دارد؟**

اگر خانواده بتواند با جهت‌دهی صحیح فرزند و تشویق منطقی و درست، گام بردارد، بی‌شک زبان پارسی بیش از پیش اهمیت خواهد یافت. به نظر می‌رسد در این زمینه نیازمند بازگشت به ویژگی‌های فرهنگی گذشته هستیم تا بتوانیم به درستی به زبان فارسی توجه کنیم و از آن به عنوان عامل و بهانه‌ای برای پرداختن به هنر، ادبیات و موارد مشابه بهره ببریم.

**چگونه می‌توان نسل جدید را در برابر جذابیت زبان‌های بیگانه در فضای مجازی مقاوم کرد؟**

آنچه اهمیت دارد این است که نسل جدید در مواجهه با فرهنگ‌هایی که از طریق زبان‌های دیگر در فضای مجازی ارائه می‌شوند، دچار تحقیر خود و بیگانگی از خویشتن نشود و در عین حال بتواند با شناخت کافی، بهره مناسب را از فضای مجازی ببرد. گام ناصحیح در این زمینه، طرد کامل فضای مجازی است.

**آیا برنامه‌های آموزشی فعلی در تقویت زبان فارسی کافی است یا نیازمند بازنگری جدی هستیم؟**

به نظر می‌رسد به تدریج فضاها و برنامه‌های آموزشی ما، گام‌های اصولی و مؤثر در تقویت زبان فارسی را کمرنگ می‌کنند. گام مهم در این زمینه باید به گونه‌ای برداشته شود که زبان و ادبیات فارسی به عنوان عامل انسجام هویت جامعه ایرانی به نسل جدید معرفی شود. نکته اصلی این است که با شناخت و درک درست از فرهنگ و زبان خود اقدام کنیم، به طوری که افراد به زبان خود تفاخر کنند. این امر مستلزم بازنگری در شیوه‌های آموزشی است.

**رسانه‌ها از جمله تلویزیون، روزنامه‌ها و فضای مجازی چگونه می‌توانند به تقویت یا تضعیف زبان فارسی کمک کنند؟**

اگرچه به دست آوردن وحدت رویه در پرداخت به زبان در رسانه‌ها، از جمله فضای مجازی، به دلیل تنوع و تکثرها دشوار است اما می‌توان با استفاده از نظرات اندیشمندان و به شیوه‌ای اصولی، از یک سیاست کلی با هدف تقویت زبان فارسی بهره برد. در این میان، تفاهم و اقدام مشترک دستگاه‌های متولی فرهنگ عمومی کشور، به عنوان نخستین و در عین حال مهم‌ترین گام، اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت.

**زبان چه نسبتی با اعتمادبه‌نفس فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی دارد؟**

طبیعی است انسان هرچه را نقطه قوت خود بداند، بیشتر به آن می‌پردازد و برعکس، هر چیزی را که نقطه ضعف قلمداد کند، انکار می‌کند. در این میان، اگر زبان خود را به عنوان یک نقطه مثبت تلقی کنیم و از پرداختن به آن دچار شرم نشویم، مهم‌ترین گام را در تقویت اعتمادبه‌نفس فرهنگی برداشته‌ایم و در ادامه، میزان احساس تعلق اجتماعی ما نیز افزایش پیدا می‌کند.

**چرا بعضی خانواده‌ها استفاده از واژه‌های بیگانه را نشانه فرهنگی بودن یا مدرن بودن می‌دانند؟**

هیچ راه‌حلی جز این وجود ندارد که نسل امروز به فرهنگ خود افتخار کند. در غیر این صورت، با توسل به واژه‌های بیگانه، تلاش می‌کند به تعبیر اروین گافمن، اتاق ننگ را از خود بزداید و خود را از جامعه، به نحوی تافته‌ای جدا بافته از فرهنگ جامعه‌اش جدا معرفی کند.

**با توجه به رواج روزافزون زبان‌های جهانی، آینده زبان فارسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

با همه استغنای فرهنگ و زبان پارسی، نمی‌توان امیدوار بود بدون هیچ اقدام علمی، عملی و منطقی، جایگاه درخور شأن زبان پارسی در جهان امروز به دست آید. واقعیت این است که تغییرات، به اصطلاح، منتظر ما نمی‌مانند و اگر نتوانیم سهمی در این میان داشته باشیم، آرام آرام جایگاه رفیع زبان پارسی را کمرنگ‌تر از گذشته خواهیم دید.

**بنابراین کوتاهی در پاسداشت زبان فارسی، جامعه ایرانی را در سال‌های آینده با آسیب‌هایی روبه‌رو خواهد کرد. این آسیب‌ها از نگاه شما چیست؟**

جامعه‌ای که فرهنگ خود را نشناسد به هر دستاویزی متوسل می‌شود تا خود را با آن معرفی کند و کمترین آسیب آن، بحران هویت است؛ بحرانی خطرناک اما متأسفانه بسیار نزدیک. در این حالت، با فروپاشی فردی در جامعه مواجه می‌شویم و عدم تطابق یا حتی تضاد خواسته‌ها با ارزش‌های جامعه رخ خواهد داد.

**به نظر می‌رسد برای صیانت از زبان فارسی نیاز به یک پویش اجتماعی ملی است. چه اقداماتی می‌تواند این پویش را ایجاد کند؟**

پویش‌های اجتماعی ملی را می‌توان نه به عنوان یک هدف نهایی بلکه به عنوان وسیله‌ای مثبت برای صیانت از زبان فارسی قلمداد کرد. این پویش‌ها می‌توانند نقش مؤثری در جلب نظر جامعه و شکل‌دهی به افکار عمومی داشته باشند و توجه مردم را به اهمیت زبان فارسی جلب کنند اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد، روش‌های اصولی، علمی و گام‌های پس از آغاز این پویش‌هاست. در واقع، اگر پویش‌ها صرفاً جنبه تبلیغاتی و نمایشی داشته باشند اثرگذاری آنها محدود و کوتاه‌مدت خواهد بود، بنابراین پیش از هرگونه اقدام، لازم است گام‌های علمی و عملی دقیقی طراحی شود که بتواند مسیر آتی را روشن و استوار کند. این گام‌ها شامل تحلیل دقیق وضعیت موجود، شناسایی نقاط ضعف و قوت زبان فارسی در جامعه، تدوین برنامه‌های آموزشی و فرهنگی متناسب و ایجاد سازوکارهای پشتیبان برای استمرار پویش‌هاست. به این ترتیب، پویش‌های اجتماعی می‌توانند به شکل یک موتور محرک عمل کنند.

**فضاها و برنامه‌های آموزشی ما، گام‌های اصولی و مؤثر در تقویت زبان فارسی را کمرنگ می‌کنند. گام مهم در این زمینه باید به گونه‌ای برداشته شود که زبان فارسی به عنوان عامل انسجام هویت جامعه ایرانی به نسل جدید معرفی شود. نکته اصلی این است که با شناخت و درک درست از فرهنگ و زبان خود اقدام کنیم، به طوری که افراد به زبان خود تفاخر کنند. این امر مستلزم بازنگری در شیوه‌های آموزشی است**